

«با نام و یاد خدا»

خدا فالم را گرفت

مؤید جعفری



سرشناسه	:	جعفری، مولود.
عنوان و نام پدیدآور	:	خدا فالم را گرفت/ مولود جعفری.
مشخصات نشر	:	تهران: سرگیس، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	:	۶۹۷ ص؛ ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م.
شابک	:	978-600-94455-0-9
رصعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
رده‌بندی کتبی	:	PIR ۸۰۰۳ع/۷۷۵۲۲۳خ ۴ ۱۳۹۳
رده‌بندی دهی	:	۸ فا ۳/۶۲
شماره کتابخانه ملی	:	۳۴۵۱۴۱۰

www.ketab.ir



هرگونه استفاده از جلد و متن کتاب (اعم از زیراکس، بازنویسی، ضبط کامپیوتری، تهیه CD) بدون اجازه کتبی ناشر و مؤلف ممنوع است و در صورت مشاهده از متخلفان به موجب بند ۵ ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.



انتشارات سرگیس

خدا فایده را گرفت

خدا فایده را گرفت

ترجمه: مولود جعفری

ناشر: سرگیس

ویراستار: سید تقی زاده

ناظر فنی چاپ: حسن محمدی

چاپخانه: سارگیس

تیراژ: ۵۰۰ جلد

نوبت و سال چاپ: دوم تابستان ۱۳۸۵

شابک: ۹۶۴۵۵-۰۰۹-۶۰۰-۹۷۸

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۱۹۱۶ - همراه: ۰۲۰۱۳۶۲۸۹

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۶۴۸۹

Email: Sargispress@gmail.com

آدرس: میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶،

طبقه ۴، واحد ۱۰

به نام یگانه حامی تشنه لبان صحرای عشق

زندگی چرخ‌سار است که در طول عمر آدمی مدام به هر سوی می‌چرخد و در هر چرخش اتفاقاتی رخ می‌دهد که هیچ جنبنده‌ای قادر به پیش بینی آن نیست. روزها در پی هم می‌روند بی آنکه به چگونگی آن بیندیشیم. حوادث را پشت سر می‌نهیم، گاه پیروز و گاه شکست خورده. اما مجال تفکر در پی آن را نداریم. نایب‌ها، دقیقه‌ها و ساعت‌ها را سپری می‌کنیم ولی... زمانیکه پس از یک سال، روز آخر سال کهنه فنجان چای در دست در حالی که پشت پنجره ایستاده‌ایم و به بیرون می‌نگریم، باز می‌گردیم به سالی که گذراندیم، به خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، به موفقیت‌ها و ناکامی‌هایمان، به آنچه می‌خواستیم انجام دهیم و نتوانستیم و آنچه می‌خواستیم انجام دادیم، به آنچه از آن متنفر بوده و به آن برخوردیم و آنچه می‌خواستیم که دوست داشتیم و به آنها نرسیدیم. به همه و همه می‌اندیشیم. این در حالی است که دوستی که همه‌ی آن‌ها را پشت سر نهاده و حالا به آن می‌اندیشیم... روز آخر سال... فنجان در دست... پشت پنجره... نکته در این کتاب مانند رفتار ما انسان‌هاست. زندگی به همه‌ی آنچه در خدا فایده را گرفت را خواندیم و آن را بستیم نکته‌ها را در می‌یابیم و شاید باز هم...!! فنجان در دست... پشت پنجره...

قلم را آن زبان نبود که سیر عشق گوید باز

ورای حد تقریر است این آرزومندی

حافظ

م. جعفری